

به نام خداوند بخشنده و مهربان

و هر کس در آن هنگام به آنها (دشمنان) پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد ، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد ؛ و جایگاه او جهنم ، و چه بد جایگاهی است .
انفال ، آیه 16

مقدمه ای در تبیین شعار تحسین برانگیز سال :

برشی از بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری در جوار زائران رضوی 01 / 01 / 1394 :

... صریحاً دشمنان ما می گویند که هدفشان از فشارهای اقتصادی ، یک هدف سیاسی است . هدفشان این است که مردم ایران را مقابل نظام اسلامی قرار دهند ... هدفشان این است که مردم را مقابل دستگاه قرار دهند . می گویند می خواهیم فشار اقتصادی بیاوریم تا وضعیت مردم سخت شود ؛ (و نهایتاً) مردم وادار به اعتراض در مقابل دولت و در مقابل نظام اسلامی شوند ؛ این را صریحاً می گویند ... البته به دروغ گاهی ادعا می کنند که طرفدار ملت ایرانند ، که این دروغ ها را نمی شود باور کرد و نباید از دشمن باور کرد ؛ لیکن هدفشان همان هدف سیاسی است . می خواهند این امنیت را که امروز در کشور ما هست - که این امنیت در منطقه غرب آسیا که ما در آن قرار داریم ، بی نظیر است بحمدالله... - بدست مردم از بین ببرند و مردم را وادار کنند به بر هم زدن امنیت و حرکات اعتراضی را در کشور شروع کنند ؛ دارند تحریک میکنند ... کار و برنامه ریزی می کنند . کاری است که با جدیت و با شدت به دنبال آن هستند ... وقتی چنین چالش بزرگی در کشور وجود دارد ، همه نیروها باید در کنار هم قرار گیرند
پیام حکیمانه رهبر معظم انقلاب - دولت و ملت ، همدلی و همزبانی - بهانه ای شد تا در این یادداشت ، به ذکر جزئیاتی از یک کل واحد ، بپردازیم . نبود مختصاتی مشخص و شفاف پیرامون جزئیات فنی ، حقوقی و سیاسی مذاکرات و عدم رفع این مشکل توسط مسئولین وقت ، نه تنها برای آینده مذاکرات مفید نخواهد بود ، بلکه ماحصل این روند سایشی ، ایجاد گسل هایی فکری میان سطوح مختلف جامعه است . تقابل فکری منتقدین ، مخالفین و موافقین جامعه در خصوص توافقات اخیر ، هر چند یکی از نشانه های آزادی بیان در نظام جمهوری اسلامی ایران است ، اما در آینده ای نه چندان دور ، پیش زمینه ای داخلی برای اجرای پلان B آمریکایی ، علیه ثبات جمهوری اسلامی ایران محسوب خواهد شد . تلاش گروه غربی در وارونه جلوه دادن روند مذاکرات و تبدیل این تعامل مقطعی به تذبذب و انفعال ، علاوه بر ایجاد زمینه برای بروز اختلاف داخلی ، وجهه ضد امپریالیستی ایران در جوامع بین المللی را دستخوش اتهام نمود . محرمانه نمودن محتوای مذاکرات ، انتشار سریع بیانه های توجیهی توسط گروه غربی (Fact Sheet) و اعمال تحریم هایی جدید ، از جمله بسترهایی است که تقابل سایشی فکری میان گروه های فعال سیاسی و غیر سیاسی در داخل کشور را فراهم میسازد .

و اما مذاکرات هسته ای در این دوران :

برشی از بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری در دیدار دانش آموزان و دانشجویان 12 / 08 / 1392 :

... بنده هم اول امسال در مشهد (مقدس در سخنرانی گفتیم) که مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد ؛ منتها گفتیم من اعتماد ندارم ، خوشبین نیستم به مذاکره ؛ لکن می خواهند مذاکره کنند ، بکنند ؛ ما هم به اذن الله ضرری نمی کنیم . یک تجربه ای در اختیار ملت ایران است - که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت را بالا خواهد برد ؛ مثل تجربه ای که در سال 82 و 83 در زمینه تعلیق غنی سازی را در مذاکرات با همین اروپایی ها ، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت .
خب ما دو سال عقب افتادیم ؛ لکن به نفع ما تمام شد . چرا ؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی سازی ، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد ؛ اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البته به نحوی تمحیل شده بود لکن ما قبول کردیم ، مسئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم ، ممکن بود کسانی بگویند خب یک ذره شما عقب نشینی می کردید ، پرونده هسته ای ایران عادی میشد . آن تعلیق غنی سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب نشینی ، با تعلیق غنی سازی ، با عقب افتادن کار ، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی شود . طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است ؛ این را ما فهمیدیم ، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی سازی را آغاز کردن . امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال 82 زمین تا آسمان فرق کرده ؛ آن روز ما چانه می زدیم سر دو ، سه سانترفیوژ (در حالی که) امروز چندین هزار سانترفیوژ مشغول کارند . جوانهای ما ، دانشمندان ما ، محققین ما ، مسئولین ما همت کردند ، کارها را پیش بردند ؛ بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است ما ضرری نخواهیم کرد . البته بنده همچنان که گفتیم خوشبین نیستم ؛ من فکر نمی کنم (از) این مذاکرات آن نتیجه ای را که ملت ایران انتظار دارد به دست بیاید ؛ لکن تجربه ای است و پشتوانه تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد ؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد . ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه دیپلماسی فعالیت می کنند ... قرص و محکم حمایت می کنیم ، اما ملت باید بیدار باشد (بدانند چه اتفاقی دارد می افتد) تا بعضی از تبلیغاتچی های موجب بگبر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی های بی مزد و موجب از روی ، افکار عمومی را گمراه کنند . یکی از ترفند ها و خلاف گویی ها این است که این جور القا کنند به افکار عمومی مردم ، که اگر ما در قضیه هسته ای تسلیم طرف مقابل شدیم همه مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد ؛ این را دارند تبلیغ می کنند . البته تبلیغاتچی های خارجی با شیوه های کاملاً ماهرانه تبلیغاتی خط می دهند ؛ در داخل هم بعضی از روی ساده لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند ، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل همه مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد ؛ این خطا است ...

ما جعبه سیاه مذاکرات نیستیم :

تنها هدف از تنظیم این سری یادداشت ها ، آگاهی بخشی عمومی پیرامون برنامه اقدام مشترک (Joint Plan of Action) - موسوم به توافق ژنو که در تاریخ 3 آذر 1392 (مطابق با 24 November 2013) بین کشورهای 5+1 و جمهوری اسلامی ایران منعقد گردید - خواهد بود و تحلیل های مستند ذیل ، منحصرأ بر اساس متن انگلیسی و فارسی توافقنامه مذکور- که در فضاهای رسمی قابل دسترس ، موجود می باشد - تدارک دیده شده است و به محتوای آنچه مرقوم داشته اند نمی پردازد :

1 - مختصات کلی برنامه اقدام مشترک :

1-1 - این برنامه اقدام مشترک از یک مقدمه (Preamble) که با عبارت The goal for شروع و به nuclear program ختم ، و 3 گام به نام های گام اول (Elements of a first step) که با عبارت The first step شروع و به an agreed amount ختم ، گام دوم (The second step) که با عبارت There would شروع و به of this matter ختم ، بعد از آن گام نهایی (Elements of the final step) که با عبارت Elements of شروع و به R&D practice ختم و در پایان به گام بعد (Following successful implementation of the final step) اشاره شده است .

1-2 - حداکثر سقف خواسته های طرفین ، در این توافقنامه گنجانده شد ؛ بر خلاف تصورات ، موضوع گفتگوهای بعدی صرفاً چگونه عملی ساختن تعهدات این توافقنامه است ؛ بنابراین مطالعه ، تشریح و تفهیم صحیح متن برنامه اقدام مشترک از اهمیت بالایی برخوردار است .

1-3 - اصل این برنامه مورد تفاهم ، توافقنامه است : طبق قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران ، هر گونه توافقنامه ، معاهده و قرارداد بین المللی - بین ایران و سایر کشورها - نیازمند مصوبه مجلس شورای اسلامیست . انتخاب عنوان برنامه اقدام مشترک ، صرفاً به آن جهت است که مجلس شورای اسلامی و یا حتی مجلس سنای آمریکا ، نقشی در تصویب یا عدم تصویب این توافقنامه بین المللی نداشته باشد .

1-4 - ادعا در خصوص بین المللی نبودن این توافقنامه ، غیر واقع است : ورود آژانس بین المللی انرژی اتمی - بعنوان مسئول راستی آزمایی اقدامات جمهوری اسلامی ایران - خود گواه این موضوع است ؛ چرا که اگر این توافقنامه یک قرارداد سیاسی بین کشورهای 5+1 و جمهوری اسلامی ایران بود ، آژانس قانوناً بر اساس آیین نامه اش اجازه دخالت در آن را نداشت .

1-5 - مبنا قرار دادن متن انگلیسی منتشر شده و بی ارزشی ترجمه ها از نظر حقوقی (استفاده از کلمات چند تفسیری و غیر شفاف در متن توافق) : ملاک قرار گرفتن معانی برداشت شده برای طرفین توافقنامه - نه ترجمه ها و گفتگوهای شفاهی طرفین - از مشخصه همیشگی این نوع از توافقنامه ها است .

1-6 - محرمانه بودن مذاکرات ، امری غیر طبیعی است : با توجه به وجود مبادلات اطلاعاتی پیرامون محتوای مذاکرات ، میان گروه مذاکره کننده غربی و هم پیمانان خود - رژیم صهیونیستی ، عمده کشورهای عربی و حتی کنگره - پافشاری تیم ایرانی بر محرمانه ماندن محتوای مذاکرات ، امری غیر طبیعی است .

1-7 - تیم مذاکره کننده ایرانی پیرامون دفاع از مذاکرات و توافقاتی که انجام پذیرفت ، بر خلاف طرف های غربی ، به متن - این توافقنامه - اشاره ای نداشته و به توضیحاتی شفاهی بسنده نموده اند و این مطلب ، توافقنامه را منحصر به فرد می نماید !

2 - مختصات جزئی برنامه اقدام مشترک :

ضمن عرض پوزش ؛ با توجه به محدودیت فضا و وجود متن انگلیسی و فارسی توافقنامه مذکور (برنامه اقدام مشترک ، موسوم به توافق ژنو) در فضاهای رسمی قابل دسترس ، از ثبت متن اصلی صرف نظر مینماییم .

2-1 - بررسی اجمالی مقدمه برنامه اقدام مشترک (Joint Plan of Action - Preamble) :

در این توافقنامه ، مقدمه نسبت به گام های دوم و سوم از جایگاه ویژه ای برخوردار است . ایفای نقش مُفسر در تبیین محتوای دو گام مذکور ، از مشخصه مهم این بخش می باشد که به تشریح آن می پردازیم :

2-1-1 - هدف و نتیجه نهایی این مذاکرات ، صرفاً اثبات صلح آمیز بودن برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران - در یک بازه بلند مدت - خواهد بود :

تفسیر طرف مقابل از صلح آمیز بودن برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران ، حلّ اتهام بی اساس و مغرضانه انحراف از معاهده Non Proliferation Treaty (موافقتنامه بین المللی و ناظر بر منع گسترش تسلیحات هسته ای در میان کشورهای فاقد تکنولوژی هسته ای که به اختصار NPT گفته می شود) و شفاف سازی پیرامون جرم مرتکب نشده توسط طرف ایرانی در این مذاکرات است و نیازهای اساسی جمهوری اسلامی ایران به مؤلفه های مهم انرژی و فناوری [1] اصلاً مطرح نیست . اما هدف اصلی ما از مذاکرات چه بود ؟

هدف نهایی تمام مذاکرات هسته ای ، حصول حقوق هسته ای - به معنای داشتن چرخه سوخت که در معاهده NPT صراحتاً به آن اشاره شده است - و حق غنی سازی برای جمهوری اسلامی ایران می باشد . چارچوب کلی قرارداد NPT ، استفاده اعضا - که ایران یکی از اعضای این قرارداد بین المللی می باشد [2] - از حق غنی سازی نامحدود (غنی سازی 5% الی 90%) و صرفاً صلح آمیز است . حق غنی سازی شامل عناصری دخیل اهم از تولید سانتریفیوژ ، تاسیسات هسته ای ، تحقیقات و بهره برداری نامحدود از معادن و ... می باشد که در ماده سوم بند سوم و ماده چهارم بند اول معاهده NPT ، صراحتاً به آن اشاره شده است : " هیچ نکته ای در این پیمان نباید به گونه ای تفسیر شود که حق مسلم هم پیمانان در انجام تحقیقات ، تولید و استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز را تحت تاثیر قرار دهد . " (ماده چهارم ، بند اول)

در بخشی از مقدمه توافقنامه ژنو آمده است : " این راه حل جامع ، ایران را قادر می سازد تا به طور کامل از حق خود (در بهره برداری) از انرژی هسته ای برای اهداف صلح آمیز بر اساس مواد مرتبط در معاهده NPT و در تطابق با تعهدات خود در این معاهده برخوردار گردد " ؛ با توجه به متن مذکور ، فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران باید منطبق با برنامه اقدام مشترک (توافق ژنو) باشد و ایران نمی تواند چارچوب فعالیت های صلح آمیز خود را با معاهده بین المللی و مرجع NPT معادل سازی نماید ؛ بلکه NPT صرفاً تعهدات طرف ایرانی را در این بخش تعیین می کند . به عبارتی دیگر خط قرمزها و تعهدات طرف ایرانی در برنامه اقدام مشترک (توافق ژنو) ، چیزی فراتر از معاهده بین المللی NPT بوده و متن توافق ژنو امکان برخوردار بودن محدودیت جمهوری اسلامی ایران از فناوری صلح آمیز هسته ای را - مطابق با معاهده بین المللی NPT - کاملاً رد نموده است .

در قسمتی دیگر از این بخش ، ایران موظف شد تا برنامه غنی سازی خود را منطبق بر نیازهای عملی - به صورت اعمال محدودیت بر گستره غنی سازی شامل سطح فعالیت غنی سازی ، ظرفیت ، محل انجام آن و ذخایر اورانیوم غنی شده - برای مدت زمانی طولانی و مورد توافق طرفین محدود نماید . در تکمیل این بخش باید گفت که طرف آمریکایی - یکی از اعضای گروه 5+1 - اساساً در برخورد با کشورهای عضو NPT ، حق غنی سازی برای هیچ کشوری را به رسمیت نمی شناسد ؛ برای مثال سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا یک شب پیش از مذاکرات ژنو در جمع خبرنگاران - در پاسخ به سوالی پیرامون حق غنی سازی اورانیوم - تفسیر آمریکا از حق قانونی کشورها در معاهده NPT را اینگونه بیان نمود : " ما حق هیچ کشوری برای غنی سازی را به رسمیت نمی شناسیم . "

اما نیازهای عملی ، از سوی طرف مقابل برای برنامه جامع هسته ای ما تعیین میگردد و متأسفانه حق غنی سازی و ذخیره اورانیوم غنی شده نیز - با توجه به عنوان نیازهای عملی - به رسمیت شناخته نشده است .

جان کری نقابقی پس از قرارداد رسماً اعلام میدارد : ما ایران را فریب ندادیم . ما حقی به عنوان غنی سازی برای ایران قائل نشدیم و اگر ایران نمیخواهد ، می تواند از اول ژانویه آن را (برنامه اقدام مشترک) اجرا ننماید . او باما نیز وقتی از حق غنی سازی جمهوری اسلامی ایران صحبت مینماید ، حرفی از NPT به میان نمی آورد ؛ اما وقتی حرف از تعهدات ایران می شود ، صراحتاً به NPT اشاره مینماید .

2-1-2 - این راه حل جامع از یک کل متحد (واحد) تشکیل می شود که هیچ چیز توافق نمی شود ، مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود :

در خوشبینانه ترین حالت ، گرفتن امتیاز از طرف مقابل - چه جزئی و چه کلی - تنها منوط به انجام کامل تعهدات توسط طرف ایرانیست و اجرایی نمودن تمام تعهدات عملی - این توافقنامه - توسط جمهوری اسلامی ایران و تایید نهایی آژانس بین المللی انرژی اتمی ، این بند را عملی خواهد ساخت . اما طرف ایرانی نیز میتواند از این بند در شرایطی اضطراری استفاده ای بهینه نماید ؛ در

صورتیکه طرف مقابل از انجام تعهدات خود سر باز زند و رسیدن به توافقی نهایی از سوی طرف ایرانی مبهم تلقی گردد ، طرف ایرانی می تواند با استناد به این بخش - هیچ چیز توافق نمی شود ، مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود - از ادامه روند مذاکرات جلوگیری نماید . لازم به ذکر است که هدف طرف مقابل از گنجاندن این منطق (همه یا هیچ) در این توافقنامه بین المللی ، تعیین و تبیین معیار و استانداردی خاص در گرفتن امتیازاتی منحصر به فرد از طرف ایرانی ، بدون واگذاری امتیاز است . ولی چه کسی در این میان ضرر خواهد کرد ؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که با توجه به انجام مجموعه ای از اقدامات عملی و موثر - در ابتدای مسیر توافق و در راستای اعتماد سازی - توسط طرف ایرانی ، تنها کسی که عملاً ضرر خواهد کرد ، طرف ایرانیست ؛ چرا که در اولین گام ، اساسی ترین ابزار چانه زنی جمهوری اسلامی ایران - بعنوان امتیاز - تسلیم زیاده خواهی های طرف مقابل شد .

2-1-3 - هنوز بر سر تعلیق یا لغو تحریم های (Sanctions) منحصراً مرتبط با هسته ای (Nuclear-related) به جمع بندی یا درک مشترک شفاف دست پیدا ننموده ایم :

در بازبینی عناوین تحریم های ظالمانه متحدین غربی علیه جمهوری اسلامی ایران به نکاتی قابل توجه بر خواهیم خورد ؛ ایران عمدتاً به 3 بهانه اصلی مورد تهاجم تحریم های ظالمانه قرار گرفته است :

- تحریم های ضد اشاعه تسلیحاتی (که با بر چسب NPWMD شناخته می شود)

- تحریم های ضد نقض حقوق بشر

- تحریم های ضد حمایت از تروریسم

در تشریح گزینه اول ، باید توجه داشت که طرف های تحریم کننده از تعدد و بار حقوقی متنوعی برخوردارند که ایران در مسئله بهره مندی از لغو و یا حتی تعلیق تحریم هایی که فقط مرتبط با هسته ای - که جزئی از گزینه اول و سهمی 17 درصدی از کل دارد - هستند ، با مشکلات فراوانی مواجه است . لازم به یادآوریست که در گام اول - با توجه به توافقات صورت گرفته - تنها 5 درصد

از تحریم های مرتبط با هسته ای ، تعلیق شد . برای دریافتن به این موضوع ، صحبت های وندی شرممن و سناتور باب کورکر در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا به تاریخ 3 اکتبر 2013 (11 مهر 1392) ؛ جان کری در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان به تاریخ 10 دسامبر 2013 (19 آذر 1392) و وندی شرممن اینبار در کمیسیون بانکداری سنای آمریکا به تاریخ 12 دسامبر 2013 (21 آذر 1392) را حتماً مطالعه فرمایید .

و ...

پی نوشت ها :

[1] تامین نیاز قانونی کشور به 20 هزار مگاوات برق هسته ای از نیاز 120 الی 130 هزار مگاواتی برق در سال 1410 شمسی ؛ نیاز به غنی سازی 20 درصد در حوزه پزشکی و نیاز به غنی سازی 40 درصد در کاربری های کاربردی از سوخت ؛ به عنوان مثال تامین سوخت برای زیردریایی ها ؛ بهره گیری کامل از راکتور آب سنگین اراک به جهت تامین سوخت پلوتونیوم برای راه اندازی و بکارگیری راکتورهای نسل جدید و بهینه سازی صنعت و افزایش سطح تولید انواع رادیو دارو ؛ ساخت ، تست و به کارگیری سانتریفیوژ های بهینه IR 8 ؛ ذخیره و تامین سوخت راکتور بوشهر برای سال های 2021 میلادی به بعد و تامین سوخت برای سایر راکتور های فعال و ... و در ادامه فرصت اشتغال برای هزاران نیروی جوان ایرانی .

[2] لایحه پیمان بعد از تأیید کمیسیون امور خارجه ایران ، در دی ماه سال 1348 به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دولت پس از دریافت ابلاغیه این مصوبه ، سرانجام در سال 1353 به تاسیس سازمان انرژی اتمی ایران مبادرت ورزید . این معاهده در حال حاضر چیزی در حدود 188 عضو دارد که تنها 4 کشور هند ، پاکستان ، کوبا و کره شمالی و در نهایت رژیم منفور صهیونیستی در این معاهده عضو نیستند .

2-2 - بررسی اجمالی گام اول برنامه اقدام مشترک (Elements of a first step) :

2-2-1 - زمان دقیق شروع این گام متأسفانه به صورت مکتوب در این بخش نیامده و این زمان به صورت شفاهی - پایان ماه دسامبر یا اول ماه ژانویه 2014 - اعلام شده است . اما در خصوص پایان آن به مدت 6 ماه - که طول زمانی این گام می باشد - صریحاً اشاره شده و این مدت با توافق طرفین قابل تمدید (renewable) می باشد . طبق ادعای طرف غربی ، لزوم تعیین این مدت کافی حصول اطمینان از اجرای تعهدات طرف ایرانی است ؛ بنابراین این طور استنباط می شود که اگر تمدیدی در هر یک از گام ها (که گام اول نیز از این بحث خارج نیست) توسط طرف مقابل پیشنهاد و اعمال گردد ، تنها به منزله نقض تعهدات و یا شفاف نبودن اجرائیات طرف ایرانی تلقی خواهد شد .

اما یک سوال : اگر طرف مقابل بر اساس دلایلی - چه منطقی و چه غیر منطقی که در طرح این سوال ، دلیلی غیر منطقی مد نظرست - بر تمدید این گام اصرار بورزد ، آیا ایران واقعاً می تواند موافقت نکند؟! نپذیرفتن تمدید توسط طرف ایرانی ، مطمئناً روند مذاکرات را دچار چالش می کند ؛ بنابراین طرف ایرانی بر اساس اصل سازش و حد یقینی نداشتن طرف مقابل ، به قبول تمدید اکتفا می نماید .

2-2-2 - عدم موازنه داده و ستانده :

تعهدات - یا داده های - طرف ایرانی ، نه تنها با ستانده هایش برابری نمیکنند ، بلکه جمهوری اسلامی ایران عملاً طی فرآیندی عدم پیشرفت در برنامه هسته ای موجود از حیث ماشین ها ، مواد ، تاسیسات و تجهیزات (Halt) و عقب گرد (Roll back) در بخش های کلیدی برنامه - اهم از غنی سازی 20 درصد و ذخیره 20 درصدی که داشت - تجربه می نماید .

اما در خصوص ستانده ها باید عنوان نمود که آنچه عملاً ایران دریافت می نماید ، چیزی بیش از 10 میلیارد دلار - معادل مبلغی کمتر از مجموع 10 دوره (ماه) یارانه مردم جمهوری اسلامی ایران ، که عواید ناشی از تعدیل تحریم ها در برخی حوزه های خاص می باشد - نیست ؛ که میزان 4.2 میلیارد دلار از این مبلغ ، در آزاد سازی اموال بلوکه شده ایران بدست آمد . تعلیق مشروط تحریم های مرتبط با هسته ای (مشروط بدین معنا که بروز رسانی تمام تحریم های مرتبط با هسته ای ، تحریمی جدید معرفی نشده و ثبت این شرط ، به توافق طرفین رسیده است) و لغو روند اعمال تحریم های جدید مرتبط با هسته ای (که در بررسی مقدمه به تفکیک ساختمان تحریم اشاره نمودیم و دانستیم که اعمال تحریم در حوزه های دیگر ، هنوز به قوت خود در حال پیگیریست) اصل ستانده در این توافقنامه می باشد .

بروز رسانی تحریم های مرتبط با هسته ای ، از جمله مواردیست که سوال های بسیاری را به وجود می آورد که چرا طرف ایرانی نسبت به این موضوع هیچ تمهیدی - در اصل این توافقنامه - اتخاذ ننموده است ؟ به ادبیات و تعبیر دولت و تیم مذاکره کننده در پاسخ به این سوال توجه فرمایید : " اعمال تحریم های جدید مخالف روح توافق ژنو است . " بله ؛ درست است . بروز رسانی تحریم های مرتبط با هسته ای ، خود تحریمی جدید در این حوزه است ولی پاسخ سخنگوی وزارت خارجه آمریکا - ماری هارف - در این باره مساله را روشن مینماید : تیم مذاکره کننده ایرانی درون مذاکرات در جریان این موضوع قرار گرفته و میدانسته اند که دولت آمریکا در طول دوران 6 ماهه اجرای توافق ژنو ، به روز رسانی تحریم های سابق را ادامه خواهد داد .

حال برای درک این موضوع (بروز رسانی تحریم های مرتبط با هسته ای ، تحریمی جدید تلقی می گردد) به مصادیق ذیل بسنده مینماییم :

1 - استدلال اصلی و مضحک آمریکا این است که تحریم ، یک قانون ، مصوبه یا فرمان اجرایی جدید نیست ، بلکه به روز رسانی فهرست مصادیق افراد و شرکت های تحت تحریم ، طبق فرمان اجرایی 13645 می باشد که در تاریخ 3 ژوئن 2013 تصویب شده است . در این باره باید گفت آنچه آمریکا در توافق ژنو به آن متعهد شده این است که از اعمال (impose) هرگونه تحریم جدید خودداری کند . در توافق ژنو صحبتی از ممنوعیت تصویب قانون یا صدور فرمان اجرایی از سوی رئیس جمهور آمریکا به میان نیامده است بلکه متعهد است به طور کلی از اعمال هر نوع تحریم جدید خودداری کند و این به وضوح در برگزیده تحریم های جدیدی که طبق قوانین قدیمی اعمال می شود هم هست . اما چرا بروز رسانی تحریم جدید تلقی می گردد؟ بر اساس این فرآیند عملاً کسانی تحریم می شوند که پیش از این تحریم نبوده اند و مفهوم تحریم جدید هم چیزی جز این نیست .

2 - این اقدام دولت آمریکا ، آشکارا با اصل حسن نیت (good faith) که در توافق ژنو مورد تاکید بوده در تناقض است .

3 - بندی (ماده 18) در عهدنامه (کنوانسیون) 1969 وین - که حاکم بر همه معاهدات دیگر است - صراحتاً اعلام میدارد : هر کشور ملزم است از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد میکند - حتی قبل از اجرایی شدن آن - خودداری ورزد . بیش از 31 شرکت و نهاد ایرانی ، بیش از 16 شرکت کشتیرانی ، بیش از 5 بانک ایرانی ، بیش از 20 فرد ایرانی ، بیش از 2 فرد 3 بانک و 15 شرکت خارجی و جریمه شرکت ها و افراد مرتبط با ایران - که چیزی در حدود 9561400000 دلار می باشد - تنها بخشی از مجموعه تحریم های اعمالی دولت و متحدین آمریکا - بر اساس تفسیر غلط بروز رسانی تحریم ها ، تحریم جدیدی نیست - علیه جمهوری اسلامی ایران است که در خلال مذاکرات (تنها در یک سال نخست مذاکره) ایران را مورد هدف قرار داد .

رفتار دولت آمریکا در اعمال تحریم های جدید (بروز رسانی تحریم های مرتبط با هسته ای) نه فقط غیر قانونی بلکه عمیقاً اهانت آمیز است ؛ زیرا نتیجه این رفتار برای جمهوری اسلامی ایران ، توقف برنامه هسته ای توأم با تداوم اعمال تحریم خواهد بود .

با توجه به صحبت های پیشین - پیرامون ابزار چانه زنی - نباید فراموش کرد که تریقیق 50 درصد به مواد غنای 5% ، و اکسید نمودن 50 درصد باقی مانده از ذخایر اورانیوم 20 درصدی (تبدیل آن به صفحات سوختی) توسط جمهوری اسلامی ایران در ابتدای مسیر - به بهانه اعتماد سازی - زمینه ساز این گونه زیاده خواهی های ظالمانه است ؛ چرا که طرف ایرانی میدانست برای گرفتن امتیاز از طرف غربی و متحدینش - در مذاکرات نهایی که برجام نام گرفته است - نباید با دست خالی ظاهر شود .

2-2-3 - پذیرش نظارت های خطرناک :

عدم تعیین سطح برای نظارت (سطحی که به منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران خدشه ای وارد نکند) ، نه تنها در مجامع بین المللی عنوان اعتماد سازی به خود نمی گیرد ، بلکه باعث ایجاد مشکلات عدیده امنیتی خواهد شد . مواردی چون دسترسی آژانس به کارگاه های تولید قطعات و مونتاژ ماشین های سانتریفیوژ یا دسترسی به نقشه کامل تاسیسات هسته ای ایران و همچنین دسترسی به شرکت های مرتبط با غنی سازی از این مصادیق می باشند که به شرح آن می پردازیم .

ایران در این توافقنامه متعهد شده است که مجموعه اطلاعاتی به خصوص ، به سرویس های اطلاعاتی غربی واگذار نماید :

- اطلاعات مربوط به طرح های (آینده) ایران برای تاسیسات هسته ای

- اطلاعات مربوط به منبع مواد

- اطلاعات مربوط به راکتور آب سنگین اراک

- اطلاعات مربوط به کارگاه های مونتاژ سانتریفیوژ

در نگاه اول ، موارد فوق مجموعه ای از اقدامات اعتماد ساز به شمار می آید ؛ ولی آنچه ایران پذیرفته است ، در آینده ای نه چندان دور کار را برای پیشرفت در حوزه هسته ای ، بسیار سخت خواهد نمود . به طور مثال کشورهای غربی با در اختیار داشتن این اطلاعات - به خصوص اطلاعات مربوط به طرح های آینده ایران - به کم و کاستی های ایران در حوزه مواد ، قطعات و تجهیزات پی خواهند برد . این جستار در اطلاعات تقدیمی ، تکلیف آمریکا را برای بستن راه های تامین این نیازهای هسته ای ایران - خرید و یا عقد قرارداد برای ساخت و تامین تکنولوژی های لازم - روشن تر می نماید .

2-2-4 - ابزار فشاری برای ما باقی نمانده است ، الا شروع از صفر :

اوباما در مطلبی تصریح مینماید : اولین بار است که تحریم های ما کاهش نمی یابد ولی ذخایر سوخت هسته ای و پیشرفت هسته ای ایران متوقف می شود .

برای درک صحبت های طرف آمریکایی ، باید به تشریح و طبقه بندی وقایع پیشین پرداخت :

- تا حدود 5 الی 6 سال پیش نسبت بین تحریم ها و افزایش تاسیسات ، ذخایر و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران برابر بود

- از مقطعی تحریم ها و امکان افزایش آن ها کم شد ، ولی پیشرفت ها و ذخایر ما افزایش یافت

- در بازه مذاکرات و بعد از توافق اولیه ژنو ، تحریم ها متوقف نشد بلکه تنها 5% از آن ها تعلیق شد ، ولی مقدار قابل توجهی از ذخایر ما نابود و پیشرفت ها نیز متوقف شد

قبول این مطلب ، با نگاهی متعصبانه سازگار نخواهد بود ؛ ولی باید نگاهی واقع نگراانه داشت :

سوال کنگره از اوباما : شما که ابزار تحریم را دارید و می گوئید تحریم اثر کرده است ، چرا آن قدر بر این ابزارتان پافشاری نمیکنید و میزانش را بالا نمی برید تا ایران بالکل تسلیم شود !؟

پاسخ اوباما به این سوال و اعتراف او شاید درک نگاه مقاومت در برابر ظلم را ، برای ما روشن نماید : میزان تحریم ها قبلا با

میزان رشد ایران برابر بود ؛ اما از مقطعی ما به خاطر عدم همراهی چین و روسیه ، دیگر نتوانستیم تحریم ها را بیشتر کنیم ، اما

ایران همچنان بر تعداد سانتریفیوژهایش افزوده میشد و روز به روز مواد خام بیشتری تهیه می کرد . لذا ما می بایست این برگ

برنده (ذخایر اورانیومی که ایران بدان احتیاج داشت) را از ایران می گرفتیم که در این توافق این اتفاق افتاد .

و در جایی دیگر ، اعترافی دیگر می نمایند : افزون بر این اگر توافق مرحله ای حاصل نمی شد ، تحریم های بین المللی با خطر

فروپاشی روبرو می شد ، تحریم های بین المللی با خطر فروپاشی روبرو می شد ، زیرا ایران می توانست ادعا کند که در مذاکره

جدی بوده اما غرب جدی نبوده است . در این صورت ما نمی توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متعاقد سازیم .

حالا که توافق حاصل شده است ، ما میتوانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران یک گزینه بدهیم : به تعهدات

خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند و گرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می دهند .

اما موردی دیگر که در این بخش به چشم می خورد ، تعلیق بالای 5 درصد تا 20 درصد می باشد . طرف ایرانی متعهد می گردد که

برای این دوره 6 ماهه ، اورانیوم را به سطح بالاتر از 5 درصد غنی سازی نکند . باید توجه داشت که برخی راکتورهای موجود در

کشور به سوخت 12 درصد نیاز دارد و پذیرش این تعهد یعنی تعطیلی همه سطوحی که بالای 5% می باشند .

2-2-5 - تعلیق تحریم های مرتبط به هسته ای آمریکا و اتحادیه اروپا (واقعیت ستاده ها) :

- صادرات پتروشیمی ایران و هم چنین تحریم های خدمات مرتبط :

تولید و صادرات محصولات پتروشیمی ، بعد از نفت بزرگترین منبع درآمد ارز برای کشور محسوب میشود ؛ این درآمد سرشار ،

آمریکا و اروپا را برآن داشت که بعد از تحریم نفت ، اقدام به تحریم صنعت پتروشیمی ایران نمایند (البته این تحریم به بهانه بی

معنایی چون تامین مالی صنعت هسته ای ایران، توسط طرف غربی به ایران تحمیل شد). نفوذ این تحریم در حوزه حمل و نقل محصولات پتروشیمی نیز مشاهده شد که تدبیر دولت و شرکت های صادر کننده، این مشکل را به سرعت و تا حدود زیادی بر طرف نمود.

ساختار اصلی تحریم صنعت پتروشیمی از 3 بخش کلی تشکیل شده است:

اول؛ تحریم فاینانس و تامین مالی: اغلب واحدهای پتروشیمی کشور با فاینانس بانک خارجی و به خصوص اروپایی احداث شده اند، اما قطع این فاینانس - در اثر تحریم ها - به منزله قطع منابع مالی برای احداث واحدهای جدید پتروشیمی - نیست؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از منابع مالی داخلی - اهم از صندوق توسعه ملی - این مشکل را مرتفع ساخت و در کنار آن جمهوری اسلامی ایران با استفاده از منابع بلوکه شده خود در چین، خطوط اعتباری برای فاینانس کردن پروژه های پتروشیمی و پالایشی ایران، ایجاد نمود.

دوم؛ تحریم دانش فنی، تجهیزات و کاتالیست ها: شرکت های ایرانی با توجه به جدید نبودن این تحریم، از دانش فنی در احداث واحدهای جدید پتروشیمی - با توجه به دانش فنی واحد های قدیمی - تا حدود قابل توجهی برخوردار است. اما در خصوص تحریم تجهیزات باید گفت که شرکت های داخلی بعضا با مشکل تامین بعضی تجهیزات پیچیده مواجه بوده اند ولی این مشکل از طریق دور زدن تحریم ها و همچنین برنامه ریزی برای ساخت تجهیزات و بومی سازی آنها و تشکیل کنسرسیوم های سازنده تجهیزات، تاکنون تا حدودی حل شده و در آینده نیز تقریبا به طور کامل قابل حل خواهد بود. در مورد تحریم کاتالیست ها باید به این نکته اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران در تولید کاتالیست ها به مرز خودکفایی کامل رسیده، به طوری که در میزان تولید بعضی از کاتالیست های مهم، چند برابر نیاز کشور است و حتی امکان صادرات آن نیز وجود دارد.

سوم؛ تحریم صادرات محصولات پتروشیمی: این تحریم نسبت به دو نوع ذکر شده، از سابقه چندان بر خوردار نیست و به عنوان یک تحریم جدید - در این حوزه - شناخته می شود. تعریف کلی این تحریم، این گونه است که در واقع اروپا و آمریکا بازارهای خود را به روی محصولات پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران بسته اند. اما این تحریم نیز عملا تاثیر چندان در روند تولید و صادرات ما نداشت؛ چرا که اولاً محصولات پتروشیمی بسیار متنوع و خریداران آن نیز بسیار متکثرند و ردیابی آنها عملا امکان پذیر نیست. دوما بازار محصولات پتروشیمی جهان بر خلاف بازار نفت بسیار تشنه است و حتی گفته می شود در صورت حذف بعضی محصولات ایرانی از این بازار، کمبود شدید و بازار سیاه برای این محصولات ایجاد می شود. شرکت هایی که صادرات و بخش بازرگانی محصولات پتروشیمی ایران را بر عهده دارند اظهار دارند نه یک تن محصول روی زمین ماند و نه یک سنت پول محصولات جایی باقی ماند و نه بلوکه شده است.

خصوصی سازی بخش اعظمی از صنعت پتروشیمی و استفاده از ظرفیت های داخلی، این برنامه فلج کننده غربی را به یک فرصت برای بومی سازی و پیشرفت در این صنعت ارزشمند تبدیل نمود.

- طلا و فلزات گران بها و هم چنین تحریم های خدمات مرتبط: همان طور که این موضوع برای همگان قابل درک می باشد، تعلیق این تحریم عملا تاثیری در بازار جمهوری اسلامی ایران نداشته است.

- تعلیق تحریم های آمریکا بر صنعت خودروسازی ایران و هم چنین تحریم های خدمات مرتبط: تعلیق این تحریم تاکنون برای جمهوری اسلامی ایران ملموس نبوده است.

- صدور مجوز تامین و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیر نظامی ایرانی و خدمات مرتبط: صدور مجوز بازرسی های مربوط به ایمنی و تعمیرات در ایران و هم چنین خدمات مرتبط: طبق گفته های مسئولین هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، تا قبل از صحبت های لوزان سوئیس، اجرای این تعهد به دریافت چند کاتالوگ خلاصه شد.

- عدم تحریم جدید مرتبط با هسته ای توسط شورای امنیت سازمان ملل: به عبارتی چند ماه بعد اگر قرار بود شورای امنیت سازمان ملل تحریمی - مرتبط با مسئله هسته ای - علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نماید، از انجام این کار صرف نظر خواهد کرد.

- عدم تحریم جدید مرتبط با هسته ای توسط اتحادیه اروپایی: دقیقا همانند تعریفی که برای شورای امنیت سازمان ملل ذکر نمودیم.

- عدم تحمیل تحریم های جدید مرتبط با هسته ای توسط دولت آمریکا با توجه به چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره: همان تعریفی که در بالا مطرح نمودیم، در این بخش نیز صدق مینماید، ولی این عدم تحمیل (لغو) در چارچوب اختیاراتی به توافق طرفین رسیده است. بدین معنا که اگر کنگره - با توجه به اختیارات قانونی خود - اقدام به تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران نمود، رئیس جمهور با توجه به چارچوب اختیارات خود نمی تواند در جلوگیری از تحمیل، موثر واقع شود.

در یک نگاه کلی و با حسابی ساده متوجه خواهیم شد که طرف مقابل فقط 5% از تحریم ها را به حالت تعلیق (Suspend) در آورده است و این در شرایطیست که جمهوری اسلامی ایران مهمترین ابزار چانه زنی خود را ظرف مدت 6 ماه از دست میدهند.

اما در ذکر ستاده های جمهوری اسلامی ایران یک مطلب کاملا مشهود بود: ستاده های طرف ایرانی، مواردی خرد و غیر راهبردی تلقی می گردد؛ چرا که تحریم های مهم نفتی و مالی - که با سه بهانه واهی نقض حقوق بشر، حمایت ایران از تروریسم و مسئله هسته ای به تصویب رسیده است - همچنان باقیست. عناوین (بهانه های) متعددی که برای اعمال این تحریم - مالی و نفتی - در نظر گرفته اند، مطمئنا جمهوری اسلامی ایران را دچار مشکل خواهد نمود. از سویی دیگر عملا برای لغو این دو تحریم مهم -

در کنار تمکین به نظرات مقامات آمریکایی در حوزه حقوق بشر و تروریسم - در نهایت باید اکثریت اعضای کنگره قانون دیگری را تصویب نمایند تا قانون تحریم ها نقض شود؛ زیرا بر اساس ساختار سیاسی حاکم در آمریکا، رئیس جمهور نمی تواند قوانین موجود را نقض و یا از اجرای آن سر باز زند.

2-2-6 - آشنایی با تحریم نفت خام:

طرف غربی مدت هاست سرمایه گذاری در صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران و همچنین تحویل تجهیزات پیچیده نفتی به ایران ر تحریم کرده اند. آماج فشارهای بین المللی باعث شده تا دستیابی به تجهیزاتی که استفاده آنها صرفاً برای اجرای پروژه های مهم نفتی - مثلاً در پارس جنوبی - حیاتی به شمار می آید، برای جمهوری اسلامی ایران غیر ممکن شود. در کنار این مقوله، تحریم های مربوط به حمل و نقل و بیمه کشتی های نفت کش نیز علیه ایران وضع شد که با ایجاد بیمه های حفاظت و غرامت داخلی و دیگر تدابیر، تا حدود زیادی ناکام ماند. با وجود این خودکفایی، تحریمی که واقعاً برای کشور مشکل ایجاد کرد، تحریم فروش نفت خام بود که به دو بخش مجزا تفکیک می شود:

- تحریم فروش نفت خام:

در حال حاضر - بعد از توافق ژنو - آمریکا از کشورهای خریدار نفت ایران خواست که در بازه های زمانی 3 ماهه به میزان مشخصی از خرید نفت ایران بکاهند و نفت ایران را با دیگر نفت های موجود در بازار نفت جایگزین نمایند؛ در صورت سرپیچی کشورها و شرکت ها از این درخواست (افزایش سقف خرید از جمهوری اسلامی ایران) مستقیماً با تحریم تجاری آمریکا روبرو خواهند شد. این تحریم در وهله اول باعث شد تا کشورهای اروپایی، خرید مستقیم نفت از ایران را متوقف کنند. مشتریان آسیایی - که اصلی ترین مشتریان نفت ایران به شمار می آیند - از تهدید آمریکا مرعوب شده و خرید نفت از ایران را به میزان قابل توجهی کاهش دادند. آمریکا هر 3 ماه یک بار برای نگه داشتن تعادل در بازار نفت جهان و کنترل قیمت نفت در میزان مجاز واردات نفت از ایران بازنگری می کند و آن را ثابت نگه داشته یا کاهش می دهد. این کنترل گستاخانه میزان صادرات نفت ایران از 2.7 میلیون بشکه در روز به نزدیک 1 میلیون بشکه - که برخی منابع خبری از عدد 700 هزار بشکه - در روز کاهش داد. علاوه بر این موارد طرف آمریکایی حتی از وارد کنندگان نفت ایران خواست تا به جای پول نفت، کالاهای غیر تحریمی و به خصوص کالاهای مصرفی به ایران تحویل دهند. باید توجه داشت که در این حین قیمت نفت به نصف تقلیل یافت و به عبارت صریح تر، میزان صادرات نفت ایران به حدود یک هشتم - نسبت به قبل - سقوط کرد.

- تحریم انتقال پول ناشی از فروش نفت ایران:

علاوه بر آمریکا، شرکت های اروپایی نیز با اعمال تحریم شبکه بانکی - سوئیفت - و نقل و انتقالات مالی و بانکی، به اثر بخشی این تحریم مهم یاری رساندند. در اثر این تحریم، بخش قابل توجهی از پول نفت ایران در کشورهای اروپایی و آسیایی باقی ماند و قابل انتقال به کشور نیست و عملاً کشور از این منابع مالی محروم شده است. به عنوان نمونه تنها در کشور چین 18 میلیارد یورو از پول نفت ایران به همین دلیل بلوکه شده است و امکان انتقال آن به کشور تقریباً وجود ندارد.

و ...

2-3 - بررسی اجمالی گام دوم برنامه اقدام مشترک (The second step) :

- 2-3-1 - زمان شروع و پایانی برای این گام مشخص نشده است :
بنابراین می تواند تا پایان مذاکرات نهایی ادامه یابد .
- 2-3-2 - بررسی قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط طرفین مذاکره :
برای تشریح تحریم های شورای امنیت ، باید گذری اجمالی در تاریخچه این دسته از تحریم ها داشت :
هدف از اعمال این تحریم - از سوی کشورهای غربی - توقف پیشرفت در برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران عنوان شد ولی در واقع این تحریم ها در برنامه های اتمی جمهوری اسلامی ایران خللی وارد ننمود ؛ بلکه ملموس شدن تأثیرات این تحریم در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ، هدف نهایی این طرح را به خوبی آشکار کرد .
این تحریم - که از سوی مقامات آمریکایی به عنوان سخت ترین و فلج کننده ترین تحریم ها یاد شده است - در زمینه های اقتصادی ، علمی ، سیاسی ، فروش سلاح و مهمات ، دارو و مواد غذایی ، به خصوص در صادرات نفت و فعالیت های حیاتی بانک مرکزی ، جمهوری اسلامی ایران را با مشکلات جدی روبرو ساخت . این گستره در حالیست که آمریکا صادرات دخانیات به ایران را از لیست تحریم ها معاف نموده و جمهوری اسلامی ایران سومین وارد کننده سیگار آمریکایی در دنیاست .
محتوای آخرین قطعنامه (1929) شورای امنیت سازمان ملل متحد - که در 9 ژوئن 2010 جهت مقابله با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران به تصویب این شورا رسید - حاوی مفاد ذیل است :
بر اساس این قطعنامه ، ایران بایستی ساخت تمام مراکز غنی سازی اورانیوم یا تاسیسات اتمی آب سنگین (مراکز پلوتونیوم) را متوقف و از ساخت تاسیسات مشابه خودداری کند .
این قطعنامه :
- فعالیت های اتمی تجاری ایران در خارج از جمله هر گونه شرکت در طرح های استخراج اورانیوم در کشورهای دیگر یا شرکت در تولید مواد یا فناوری های اتمی در خارج را ممنوع می کند .
 - دولت های دیگر را موظف می کند که از حضور دولت ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در موارد فوق جلوگیری کند .
 - کشورها را موظف می کند که از انتقال مستقیم یا غیر مستقیم هشت نوع سلاح سنگین از جمله تانک ، خودروهای زرهی ، هواپیمای جنگی ، بالگرد های تهاجمی ، کشتی های نظامی و سیستم های موشکی به ایران جلوگیری کنند .
 - منع فعالیت های ایران در خصوص تولید موشک های بالستیک با توانایی حمل کلاهک هسته ای .
 - منع آزمایش های موشکی ایران که در آن از فناوری بالستیک استفاده شده باشد .
 - کشورها را موظف می کند که از ورود شمار دیگری از مقام های ایران به قلمروی خود جلوگیری کنند و دارایی های تعداد دیگری از افراد و شرکت های ایرانی را در فهرست تحریم ها برای مسدود شدن قرار می دهد .
 - از دولت ها می خواهد تمام محموله های هوایی و دریایی که به ایران فرستاده می شود یا از آن خارج می شود را در فرودگاه ها ، بندر ها و آب های قلمروی خود در صورتی که بر این باور باشند که آن محموله ها حاوی مواد اتمی ، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده است ، بازرسی کنند .
 - به کشورها اجازه می دهد محموله های دریایی ایران را بر اساس قوانین بین المللی در آب های آزاد بازرسی ، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند .
 - به کشورها اجازه می دهد از تامین سوخت یا ارائه خدمات دیگر به کشتی های ایران یا کشتی های خارجی حامل محموله های غیر قانونی ایران خودداری کنند .
 - از کشورها می خواهد مراقب مبادلات مالی اشخاص یا شرکت ها با افراد و شرکت های ایرانی از جمله شرکت های وابسته به سپاه پاسداران یا خطوط کشتیرانی ایران باشند .
 - از کشورها می خواهد مراقب مبادلات مالی بانک های ایرانی از جمله بانک مرکزی این کشور باشند تا از مبادلاتی که مربوط به فعالیت های اتمی حساس ایران یا سیستم های پرتاب کلاهک های هسته ای این کشور می شود ، جلوگیری کنند .
 - از کشورها می خواهد که با اتخاذ تدابیر لازم از افتتاح شعبه ها و نمایندگی های بانک های ایران در قلمروی خود در صورتی که معتقدند چنین شعبی با فعالیت های اتمی ایران ارتباط دارند ، جلوگیری کنند .
- دکتر محمد جواد ظریف در نشست شورای امنیت - 9 مرداد 1385 که ایشان آن زمان نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل را به عهده داشتند - گفت : " اما سه کشور اروپایی با ادعای نمایندگی از سوی همین جامعه بین المللی ، در بسته به اصطلاح مشوق های خود در اوت گذشته از ایران خواستند که تعهد الزام آور برای پیگیری نکردن فعالیت های چرخه سوخت را تقبل کند ؛ مرور اجمالی سیر وقایع از اوت گذشته تا کنون روشن می کند که رد آن خواسته غیر قانونی و نابجا توسط جمهوری اسلامی ایران ، تنها دلیل تحمیل قطعنامه و بیانیه های شورای حکام و شورای امنیت بوده و هست . "
- و حتی این عزیز پس از صدور قطعنامه شورای امنیت به اعضای این شورا گفت : " برنامه صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران ، هیچ تهدیدی برای امنیت و صلح بین المللی ندارد ؛ بنابراین پرداختن به این مساله در شورای امنیت هیچ اساس حقوقی و

کاربرد عملی ندارد." طبق قوانین آژانس ، ارجاع پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ، وجهه قانونی ندارد و مغایر با قوانین آژانس می باشد :

ارسال پرونده هسته ای کشورمان به شورای امنیت سازمان ملل ، با بند C از ماده 12 اساسنامه آژانس مغایرت آشکار داشته ؛ چرا که در این بند از اساسنامه برای ارجاع پرونده یک کشور عضو به شورای امنیت سازمان ملل ، 2 علت ذکر شده است :

- اول ؛ اثبات انحراف از فعالیت صلح آمیز هسته ای به سوی تولید سلاح اتمی - DIVERSION - : این انحراف در هیچ یک از گزارش های آژانس و قطعنامه های شورای حکام به صورت مستند نیامده است .

- دوم ؛ بی توجهی کشور عضو (جمهوری اسلامی ایران) به توصیه های آژانس برای رفع تقصیر ها و قصور ها : در این زمینه قطعنامه نوامبر 2004 آژانس - آبان 83 - از رفع قصورها و تقصیرهای مورد مناقشه خبر داده است .

به وضوح برای اهل منطق آشکار است که ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل ، صرفاً یک اقدام سیاسی است ؛ بنابراین با پذیرش بررسی قطعنامه های شورای امنیت ، تلویحاً قانونی بودن قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفته ایم .

اما بررسی قطعنامه های مذکور ، نهایتاً منجر به اجرایی ساختن محتوای این قطعنامه ها می شود ؛ زیرا پرداختن به قطعنامه های شورای امنیت در این بخش (گام دوم از برنامه اقدام مشترک موسوم به توافق ژنو) و به نتیجه رسیدن این تعهد ، منوط به رضایت بخشی شورای امنیت سازمان ملل است و این رضایت صورت نمی گیرد الا با اجرایی ساختن مفاد قطعنامه های غیر قانونی و

ظالمانه . اما یک سوال ؛ اگر ایران بنا داشت قطعنامه های شورای امنیت را اجرایی نماید ، چرا با گروه 5+1 مذاکره و توافق نمود؟! لازم به ذکر است که مفاد کلی قطعنامه شورای امنیت - که به خاطر مباحث هسته ای و در جهت فشار بر جمهوری اسلامی ایران ، وضع شده است - خواستار 3 امر بود ؛ این قطعنامه صراحتاً از ایران می خواهد تا زمانی که مشکلات خود را با آژانس بین المللی اتمی حل نکرده ، غنی سازی 5 درصد و فعالیت های مرتبطش ، آب سنگین اراک و باز فرآوری اورانیوم را تعلیق نماید . [1]

و ...

پی نوشت :

[1] بر اساس بندهایی چون غنی سازی در تطابق با تعهدات ایرانوغنی سازی با توجه به نیازهای عملی (که در معاهده ژنو صراحتاً به ثبت رسیده است) نهایتاً حق غنی سازی برای جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نخواهد شد . باز طراحی راکتور اراک ، سوخت این راکتور را از اورانیوم ، به اورانیوم غنی شده 3.67 درصد مبدل می سازد که این سوخت با توجه به تعهدات بدون تضمین طرف مقابل ، ظاهراً توسط گروه غربی تامین خواهد شد ؛ با این باز طراحی آب سنگین کارایی خود را از دست داده و باید این بخش را تعطیل نمود . با توجه به تعهدات طرف ایرانی ، عملیات باز فرآوری کاملاً تعطیل و پسماندهای سوختی توسط طرف غربی جمع آوری و به خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران منتقل خواهد شد . لازم به ذکر است که در نتیجه عملیات باز فرآوری ، 96 درصد اورانیوم از پسماند سوخت راکتورها حاصل خواهد شد که دوباره می توان آنرا به عنوان سوخت در راکتور به مصرف رساند .

2-4 - بررسی اجمالی گام نهایی برنامه اقدام مشترک (Elements of the final step) :

2-4-1 - داشتن دوره زمانی بلند مدت مشخص که مورد توافق قرار خواهد گرفت :

زمان شروع این گام طبق آن چه در متن آمده ، یک سال بعد از شروع توافق می باشد ، اما درباره پایان این گام ، صراحتاً به دوره زمانی بلند مدت مشخص - که مورد توافق طرفین خواهد بود - اشاره شده است . به عبارتی دیگر جمهوری اسلامی ایران برای یک مدت نامشخص اما طولانی باید محدودیت هایی را - که در توافقات آتی مشخص خواهند شد - بپذیرد .

اما چرا این مدت طولانی در نظر گرفته شده است ؟ اگر واقع بینانه به این سوال پاسخی دهیم ، باید گفت که هدف اصلی طرف مقابل از گنجاندن این قید زمانی نامشخص ، عقب نگه داشتن جمهوری اسلامی ایران از مقاطع و اهداف برنامه ریزی شده در برنامه هسته ای خود است . چرا که جمهوری اسلامی ایران در صورت ذخیره نمودن مواد 20 درصدی اورانیوم و نداشتن ذخایر لازم و کافی ، سال 2021 به مشکلی اساسی بر خواهد خورد . سوخت راکتور بوشهر - یکی از 2 راکتور موجود در جمهوری اسلامی ایران - تا سال مذکور توسط روسیه تامین میشود ؛ لذا برای تامین سوخت این راکتور - بعد از به پایان رسیدن مدت قرارداد - باید طبق برنامه ریزی قبلی ، اقدام به ذخیره سازی سوخت نماییم تا در سال 2021 با کمبود منابع مواجه نشویم (البته مشکل تنها این راکتور نمی باشد)

2-4-2 - گنجاندن قید نیازهای عملی در متن ، ابهاماتی را خواهد آفرید :

1 - نیاز های عملی :

با توجه به بند چهارم ، ایران میتواند نهایتاً یک برنامه غنی سازی داشته باشد ؛ اما مشروط به :

الف - انطباق بر نیاز های عملی

ب - توافق بر سر محدودیت هایی درباره اندازه ، ظرفیت ، حجم ، گستره و مکان آن .

تفسیر طرف مقابل از قید نیازهای عملی ، مغایر با نیازهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته ای است ؛ چرا که پس از اجرایی شدن گام ها توسط ایران ، طرف مقابل - طبق ادعاهای پیشین و کنونی خود - می تواند مکرراً تکرار نماید که :

ایران به دلیل نداشتن راکتوری که تامین سوخت نشده باشد ، عملاً چه نیاز عملی به غنی سازی دارد ؟! بنابراین ایران به دلیل نیاز نداشتن به سوخت ، برنامه غنی سازی خود را باید برچیند ؛ به تناسب این موضوع ، ذخیره سازی اورانیوم هم منتفی است :

یکی از تعهدات طرف غربی ، قبول باز طراحی راکتور اراک است . طرف غربی نسبتاً - بدون دادن تضمین های عینی - پذیرفته است که عملیات باز طراحی و تامین سوخت این راکتور را ، با هزینه و متخصصان خود به انجام رساند . سوخت این راکتور در حال حاضر از اورانیوم می باشد ، ولی با انجام باز طراحی ، سوخت این راکتور به اورانیوم غنی شده 3.67 درصد تبدیل می شود که طرف غربی - بدون دادن تضمین های عینی - این اطمینان را به طرف ایرانی داده است ، جهت تامین سوخت این راکتور در آینده - پس از انجام عملیات طولانی باز طراحی - اقداماتی نماید .

راکتور تحقیقاتی تهران به سوخت 20 درصد احتیاج دارد که جمهوری اسلامی ایران تا 10 سال سوخت 20 درصد - به صورت صفحات سوختی - ذخیره نموده است (در گام اول جمهوری اسلامی ایران 50 درصد از ذخایر خود را اکسید نمود) .

سوخت راکتور بوشهر هم تا سال 2021 توسط طرف روسی - با توجه به قراردادی که موجود است - تامین می شود .

بنابراین تحقق غنی سازی در خوشبینانه ترین حالت ، با توجه به توضیحات فوق و پاراگراف چهارم صفحه آخر - متضمن یک

برنامه غنی سازی باشد که توسط طرفین تعریف می شود - مشروط به تامین نظر مثبت طرف های مذاکره کننده است .

جان کری در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ 10 دسامبر 2013 - 19 آذر 1392 - به این نکته اشاره می نماید :

علاوه بر این توافقنامه در مورد پتانسیل غنی سازی در آینده ، دست کم چهار بار تصریح می کند که باید با توافق طرفین باشد - سه یا چهار بار در آن پاراگراف این نکته بیان شده باید در مورد غنی سازی توافق شود - اگر ما موافقت نکنیم ، این غنی سازی انجام نمی شود ... خیلی خوب و راحت است که اینجا بنشینیم و از لحاظ نظری بگوییم تحریم ها را بیشتر کنید تا آن ها را به جایی ببرید که خرد شوند . اما می دانید موضوع چیست ؟ روسیه و چین برای این کار همراه شما نخواهند بود و در نهایت اروپایی ها هم ممکن است همراهتان نباشد ، چون وقتی تحریم ها را بیشتر کنید و آن ها فکر کنند بر اساس خواستشان که گسترش دیپلماسی است ، این کار غیر معقولی است . آن ها را هم از دست خواهید داد . حدس بزنید چه کار کرده اید ؟ در واقع تحریم ها را برداشته اید ، نه اینکه تقویتشان کرده باشید .

2 - رفع نگرانی درباره آب سنگین اراک :

در بندهای پایانی توافقنامه به این موضوع اشاره شده است . متأسفانه هنوز درک مشترکی از رفع نگرانی توسط جمهوری اسلامی ایران حاصل نشده است .

3 - در گام نهایی تمام تحریم ها برداشته نمی شود :

دوباره به تفکیک تحریم ها می رسم :

الف - تحریم های ضد اشاعه تسلیحاتی که با بر چسب NPWMD شناخته می شود

ب - تحریم های ضد نقض حقوق بشر

ج - تحریم های ضد حمایت از تروریسم

مکانیزم تحریم های فوق به دو شیوه کلی است :

- تحریم مستقیم اشخاص ایرانی از فعالیت اقتصادی در آمریکا که به عنوان تحریم سنتی و یک جانبه مشهور است .

- تحریم غیر مستقیم یا ثانویه که هر شخص در دنیا را به دلیل ارتباط با اشخاص ایرانی مجازات می کند .

حتی در گام نهایی با توجه به متن - به طور جامع تحریم های مرتبط با هسته ای شورای امنیت سازمان ملل ، چند جانبه و ملی را بر می دارد - فقط و فقط تحریم های مرتبط با هسته ای - که سهمی 17 درصدی از کل رژیم تحریم دارند - تعلیق و یا لغو خواهند شد . تشریح ساختمان تحریم ، متاسفانه وقت و فضای فزون می طلبد ، ولی اگر بخواهیم به درک مطلبی دست پیدا نماییم ، باید گفت که برای اکثر تحریم های مرتبط با هسته ای ، تعدد عنوان در نظر گرفته شده است . بنابراین تفکیک تحریم هایی که - منحصرا - مرتبط با عنوان هسته ای باشند - در پایان - کار را سخت خواهد نمود .

4 - این توافقنامه به منزله یک حق غنی سازی برای ایران نیست :

غنی سازی طبق نیازهای عملی به منزله پذیرفتن یک حق غنی سازی برای جمهوری اسلامی ایران نیست ، بلکه تعریف حقوقی حق غنی سازی - همانطور که در بخش های پیشین به آن اشاره شد - تنها در چارچوب معاهده NPT معنا پیدا می کند .

بر اساس بندی ، غنی سازی جمهوری اسلامی ایران در گام نهایی - که زمان آن فعلا نا معلوم است - محدود به گزاره های ذیل است :

1 - تعریف مشترک (دو طرفه)

2 - محدودیت های عملی

3 - اقدامات شفاف ساز

4 - انطباق با نیازهای عملی

5 - محدودیت های مورد توافق

6 - دامنه ، سطح فعالیت ، ظرفیت ، ذخایر و محل های محدود و مشخص که طبعا باید به صورت دو جانبه تعیین شوند با این شرایط ، تعریف حق غنی سازی برای جمهوری اسلامی ایران از چارچوب NPT خارج شده و جنبه بین المللی خواهد یافت و شکل غنی سازی قابل انجام در ایران ، بر اساس سند ژنو - که توافقی طرفینی است - به رسمیت شناخته می شود .

3-4-2 - تعطیلی باز فرآوری :

برای بازیافت اورانیوم از سوخت هسته ای مصرف شده در راکتور ، از عملیات شیمیایی موسوم به باز فرآوری استفاده می شود . در نتیجه این عملیات 1% پلوتونیوم ، 3% مواد زائد به شدت رادیو اکتیو و 96% اورانیوم بدست می آید که دوباره می توان آنرا در راکتور به مصرف رساند .

در یکی از بندهای گام نهایی به صراحت به تعطیلی (No reprocessing) عملیات باز فرآوری - که خود جزئی از چرخه سوخت می باشد - اشاره شده است . متاسفانه در ادامه این بند به موضوع عدم احداث تاسیساتی که قادر به باز فرآوری باشند می رسیم .

4-4-2 - پذیرش پروتکل الحاقی :

پروتکل الحاقی را در چارچوب اختیارات رئیس جمهور و مجلس (پارلمان ایرانی) ، تصویب و اجرایی می نمایند .

پروتکل الحاقی یکی از رژیم های امنیت بین الملل است که به منظور تقویت کارآمدی و بهبود کارایی نظام پادمان های آژانس بین المللی انرژی اتمی در 15 مه 1997 به تصویب رسید . بر اساس این پروتکل کشورهایی که دارای موافقتنامه پادمانی جامع با آژانس هستند ، می توانند این پروتکل را داوطلبانه امضا نمایند ، با این شرط که برای لازم الاجرا شدن آن ، کشور مزبور می بایست طرح پیوستن به پروتکل الحاقی را در مجلس قانون گذاری خود به تصویب برساند . امروزه حدود 186 کشور به جز کوبا ، هند ، پاکستان و رژیم اسرائیل عضو این پیمان هستند . جمهوری اسلامی ایران نیز در دسامبر 2003 این پیمان را امضاء نمود اما هنوز آن را به تصویب مجلس نرسانده و از نظر حقوق بین الملل ملزم به اجرای مفاد آن نیست .

قبول پروتکل ، دسترسی کاملتر به کل فعالیت های مرتبط به امور هسته ای کشورهای عضو را بیشتر و آژانس را قادر خواهد ساخت که از فعالیت های اعلام نشده از سوی آن کشور هم ، بازرسی نماید . از ویژگی های این رژیم ، می توان به بازرسی در هر زمان و هر مکان ، به صورتی که نیازی به تصویب شورای حکام - بر خلاف بازرسی معمولی آژانس بین المللی انرژی اتمی - نمی باشد ، اشاره کرد . در واقع می توان این نوع بازرسی را ، بازرسی های سر زده تعبیر کرد . با اینکه پیوستن به این پیمان همواره داوطلبانه بوده ، اما نحوه عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی تا کنون به گونه ای بوده که عملا در برخی موارد ، امضای اجباری این پیمان را نشان داده و به وسیله ای سیاسی - نه حقوقی - برای رسیدن به برخی اهداف خاص که نهایتا منجر به نقض آرام حاکمیت ملی آن کشور می شود ، تبدیل شده است .

برخی از مفاد این پیمان عبارت است از :

- کسب اطلاعات مربوط به معادن اورانیوم و کارخانه های تغلیظ اورانیوم و توریوم

- کسب اطلاعات مربوط به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با فعالیت های هسته ای

- کسب کلیه اطلاعات مربوط به مکان های مربوط به غنی سازی

- دریافت برنامه های کلی مرتبط با توسعه چرخه سوخت هسته ای آن کشور در 10 سال آینده

- متأسفانه در ماده 12 این پیمان ، کشور عضو مجبور به پذیرفتن تعهداتی است که با اصل حاکمیت ملی آن کشور در تضاد می باشد . کشور متعهد ناچار است که به نفع یک سازمان بین المللی از اصل منافع ملی خود در این مورد صرف نظر نماید . این ماده تصریح می کند که " کشور عضو باید ظرف یک ماه از تاریخ دریافت یک درخواست ، روایید مناسب با مجوز ورود و خروج مکرر و یا روایید عبور را در صورت لزوم ، در اختیار بازرس انتخابی و معرفی شده در درخواست ، قرار دهد تا بازرس یا بازرس های مذکور بتواند به منظور انجام وظایف خود وارد قلمرو کشور عضو شده و در آنجا بماند . هر گونه روایید مورد درخواست باید حداقل یک سال معتبر بوده و در صورت درخواست ، برای مدت انتصاب بازرس مورد نظر در کشور عضو تمدید شود . "

در ماده 84 این پروتکل نیز به اقدام تکمیلی اشاره شده است که " آژانس می تواند به عنوان یک اقدام تکمیلی ، بخشی از بازرسی های معمولی را برای نمونه برداری اتفاقی ، بدون اطلاع قبلی به کشور مزبور انجام دهد . "

بر این اساس اقدامات مذکور شامل : مشاهدات عینی ، جمع آوری نمونه های محیطی ، استفاده از دستگاه های آشکار سازی ، اندازه گیری پرتوها ، به کارگیری انواع مهر و موم و وسایل شناسایی و کلیه وسایل مربوط به حمل و نقل اورانیوم توسط بازرسان سازمان انرژی اتمی و چه بسا سازمان های جاسوسی در هر زمان و هر مکان خواهد بود . با داشتن اجازه دسترسی به کلیه مراکز غنی سازی اورانیوم ، اطلاعات سری و محرمانه از مکان های مهم و امنیتی و بدون هیچ گونه محدودیتی - در حقیقت بسیار فراتر از تحقیق و بازرسی مواد و فعالیت های هسته ای - خواهد بود .

اما ضمن امضای پروتکل ، به سه نوع رژیم در حقوق بین الملل روبرو خواهیم شد :

- رژیم نظارت : شامل نصب دستگاه های کنترلی ، ماهواره ای ، ماورای صوت و حتی دستگاه های لرزه نگاری خواهد بود .

- رژیم بازرسی

- و رژیم مصونیت : در رژیم بازرسی و مصونیت ، بازرسان مصونیتی به مراتب بالاتر از حتی دبیر کل سازمان ملل و سفرا خواهند داشت ؛ به این معنی که چنانچه تیم بازرسی ، در کشور میزبان مرتکب هر گونه تخلف و جرمی از قبیل جاسوسی یا سوء استفاده از موقعیت خود شود ، کشور پذیرنده هیچ گونه صلاحیتی برای بازجویی از آنها نخواهد داشت و در واقع تیم بازرسی از صلاحیت قضایی کشور پذیرنده خارج است . به موجب این معاهده بازرسان حتی تا 20 سال پس از بازگشت به کشور خود بخاطر مأموریت های بازرسی خود ، مصونیت دارند . از سوی دیگر هیچ مکانیزی وجود ندارد تا از ارائه اطلاعات بازرسان به سازمان های جاسوسی ، جلوگیری شود . علاوه بر این مسائل ، تیم بازرسی در انجام مأموریت های بازرسی خود برای دسترسی به هر نقطه از کشور به عنوان محل مأموریت - حتی کاخ ریاست جمهوری - از آزادی کامل برخوردار است و برقراری ارتباط آن ها با مقر خود نیز به روش رمز گذاری - که کشف و پی بردن به آن ها برای کشور میزبان بسیار دشوار - خواهد بود .

پذیرش این پیمان پایان راه نیست ؛ با قبول این تعهدات ، راه برای ایجاد فشارها و تحمیل تعهدات بیشتر برای پذیرش رژیم های امنیتی دیگر MTCTB ; CTBT (رژیم مربوط به کنترل موشک ها) ، پروتکل های مربوط به کنوانسیون های شیمیایی ، میکروبی و سپس محدود ساختن سلاح های سبک همواره باز خواهد بود . در مورد عراق هم از این شیوه استفاده شد ؛ عباراتی مثل عراق همکاری کرده ، اما همکاری اش کامل نیست ، وسیله ای برای ایجاد فشارهای سیاسی بیشتر بر عراق شد .

اما امضای مشروط 6 کشور آمریکا ، روسیه ، چین ، انگلستان و فرانسه اهمیت بازنگری در آنچه مرقوم داشته اند را آشکار می سازد :

آمریکا : ایالات متحده به عنوان یک دولت دارای تسلیحات هسته ای ملزم به پذیرش پادمان های جامع بر اساس پیمان منع اشاعه هسته ای و یا اعلام فعالیت های هسته ای خود نیست . به عبارتی دیگر پادمان بین آمریکا و آژانس انرژی اتمی محدود به تاسیسات هسته ای غیر نظامی بوده و فعالیت هایی را که دارای اهمیت ملی می باشد ، استثنا می سازد . البته آمریکا این حق را دارد که درباره مکان بازرسی مدیریت شده و زمان آن تصمیم گیری نماید . در یک نگاه باید گفت : هدف از این توافق - میان آمریکا و آژانس انرژی اتمی - کمک این ایالت در توسعه فرآیندها ، ابزار و تکنیک هایی که توانایی آژانس برای شناسایی فعالیت های هسته ای اعلام نشده در کشورهای غیر هسته ای می باشد .

انگلستان و فرانسه : این پادمان به گونه ای طراحی شده است که به آژانس کمک کنند تا فعالیت های هسته ای اعلام نشده در کشورهای غیر هسته ای را شناسایی کنند .

روسیه و چین : پروتکل الحاقی هر دو کشور هیچ اجازه ای به بازرسان آژانس برای دسترسی فیزیکی به تاسیسات را نمی دهند . بر اساس این پادمان هر دو کشور باید اطلاعات مربوطه به صادرات و واردات از کشورهای غیر هسته ای و نیز همکاری ها با این کشورها درباره چرخه سوخت هسته ای را به اطلاع آژانس برسانند .

بدین ترتیب امضای پروتکل الحاقی - به این گونه که تمام و کمال تسلیم بندها شدن - در فضای هرج و مرج گونه نظام بین الملل توسط هر کشوری نتایج منفی علیه حاکمیت ملی ، استقلال و یکپارچگی ملی آن کشور خواهد داشت . این تعهدات هدفمند ، عنوانی جز کاپیتولاسیون هسته ای نخواهد داشت .

2-5 - بررسی اجمالی گام بعد برنامه اقدام مشترک (Following successful implementation of the final step) :

بعد از اجرای موفق گام نهایی از راه حل جامع در دوره کامل آن ، با برنامه هسته ای ایران مثل هر کشور فاقد سلاح هسته ای عضو NPT رفتار خواهد شد .

2-5-1 - متأسفانه اجرای موفقیت آمیز گام نهایی ، منوط به انجام تمام تعهدات توسط طرف ایرانی و تایید ناظر مربوطه در نظر گرفته شده است .

2-5-2 - دستاورد نهایی ، برگشت به مباحث اوایل دهه 80 خواهد بود : یعنی دوباره از اول باید بحث شود که آیا حق غنی سازی در معاهده وجود دارد یا خیر ؟ از طرفی می دانیم که طرف آمریکایی تفسیر دیگری از ماده 4 معاهده NPT دارد و طبق آن فقط حق دسترسی به غنی سازی را می پذیرد ، نه حق غنی سازی . قبل از امضای معاهده ، می بایست تفسیر طرفین مذاکره از این بند - NPT - به صورت روشن و صریح معین می شد تا در نهایت به دعوا های اوایل دهه 80 نمی رسیدیم .

پاسخ به چند سوال :

- با این تفاسیر ، بهترین و بدترین سرانجام این مذاکرات چه خواهد بود ؟

در بهترین حالت ، این معاهده ای خواهد بود که آمریکایی ها به آن عمل نمی کنند و در بدترین حالت ، این معاهده ای خواهد بود که اساساً حقوق جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت نمی شناسد .

- آیا به روابط ما با چین و روسیه بعد از این توافقنامه خللی وارد می شود ؟

روسیه و چین در مواضع رسمی خود با تحریم های یک جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالف بوده اند . نکته جالب در این توافق آن است که برای اولین بار روس ها و چینی ها امضای خود را بر روی سندی گذاشتند که عملاً تحریم های یک جانبه را به رسمیت می شناسد و آن ها را محل معامله و چانه زنی قرار داده است . این یعنی آن که شاید دور زدن این تحریم ها و یا عدم پذیرش آن ها از این پس برای مسکو و پکن کار ساده ای نباشد و دست کم برای آنها هزینه دیپلماتیک داشته باشد .

- اگر توافق نامه ژنو این همه خسارت بار است ، پیام تبریک رهبر معظم انقلاب را چگونه تحلیل می نمایید ؟

پس از توافق مذکور ، رئیس جمهور در نامه ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی به ارائه گزارش کوتاهی به ایشان مبادرت کرده و ایشان نیز در پاسخ به تقدیر از تیم مذاکره کننده هسته ای پرداختند .

... فرزندان انقلابی شما توانستند در مذاکراتی دشوار و پیچیده ، حقانیت ملت ایران در فعالیت های هسته ای را در صحنه بین المللی اثبات کنند و گام نخست را به گونه ای پیش برند که حقوق هسته ای و حق غنی سازی ملت ایران مورد اذعان قدرتهای جهانی - که سالها سعی بر انکار آن داشتند - قرار گیرد و راه برای گام های بلند بعدی در حراست از پیشرفت های فنی و اقتصادی کشور گشوده شود ...

و پاسخ هوشمندانه مقام معظم رهبری که در خور تامل و تقدیر است :

جناب آقای رئیس جمهور ، دستیابی به آنچه مرقوم داشته اید در خور تقدیر و تشکر از هیئت مذاکرات هسته ای و دیگر دست اندرکاران است و می تواند پایه اقدامات هوشمندانه بعدی قرار گیرد . بی شک فضل الهی و دعا و پشتیبانی ملت ایران عامل این موفقیت بوده و در آینده نیز خواهد بود ان شاء الله . ایستادگی در برابر زیاده خواهی ها همواره باید شاخص خط مستقیم حرکت مسئولان این بخش باشد و چنین خواهد بود ان شاء الله . سید علی خامنه ای - 3 آذر 92

اشاره مستقیم مقام معظم رهبری به آنچه نگاشته شده - آنچه مرقوم داشته اید - بدون اشاره به توافق و متن حاصله ، خود پاسخ صریح و کوتاهی به این سوال خواهد بود .

- آیا آمریکا می تواند با استناد به متن توافقنامه ژنو در امور نظامی ما دخالت کند ؟

در استماع 21 آذر کمیسیون بانکداری سنا ، سناتور جک رید به این موضوع اشاره می کند و خانم شرمین به پاسخ دهی می پردازد : سناتور رید : خانم شرمین ، وقت خیلی کمی دارم ، شاید این موضوعی که مطرح می کنم موضوع پر اهمیتی باشد . اما در مورد این مسئله از توافق اولیه هیچ چیزی ، هیچ پیشنهادی درباره برنامه نظامی آن ها ، به خصوص در اطراف پارچین وجود ندارد ؛ می توانید خیلی سریع به ما بگویید چه اتفاقی خواهد افتاد ؟

خانم شرمین : در واقع سه بخش در توافقنامه وجود دارد که از احتمال جنبه های نظامی برنامه ایران صحبت می کند ؛ در پاراگراف اول که درباره داشتن توافق جامع است ، به تمام نگرانی های باقی مانده توجه شده است که اشاره ای است به ابعاد نظامی احتمالی آن ها . این پاراگراف درباره نیاز به در نظر گرفتن عملکردهای گذشته و حال سخن می گوید که از اصطلاحات آژانس بین المللی انرژی اتمی برای ابعاد نظامی احتمالی از جمله پارچین است .

این توافقنامه همچنین می گوید که باید به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد قیل از توافق جامع توجه شود و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور خاص به قابلیت موشک های بالستیک آن ها توجه دارد . بنابراین ما گفتگویی مستقیم با ایران در مورد تمام این مسائل داشته ایم . آن ها معنی کلمات توافقنامه را کاملاً درک می کنند و ما قصد داریم از تلاش های آژانس بین المللی انرژی اتمی برای مقابله با ابعاد نظامی احتمالی از جمله پارچین حمایت کنیم .

- تغییر در سیاست های کلی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - در این دوره - از چارچوب درستی برخوردار است یا خیر ؟ قهر سیاسی دولت نهم و دهم در عرصه بین الملل چگونه ارزیابی می شود ؟

برشی از بیانات صریح مقام معظم رهبری در دیدار رئیس دولت نهم و اعضای محترم هیأت دولت 02 / 06 / 87 :

ما امروز در مقابله با استکبار ، در سیاست خارجی زبان طلبکاری ، عزت ، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است ؛ آن وقت بعضی بیایند همین را به عنوان نقطه ضعف وانمود کنند که نه آقا ! شما کاری کرده اید که فلان دولتها از شما خوششان نیاید. خب ، معلوم است که خوششان نمی آید . فلان دولتها آن وقتی خوششان می آید که انسان تملق آنها را بگوید و حرفهای آنها را به عنوان حرفهای برتر ذکر کند ؛ خودش را کوچک کند و از حرفهای خودش و حرفهای انقلاب عقبنشینی کند ؛ آن وقت آنها خیلی خوششان می آید .

اما مواردی پیرامون بیانیه سیاسی لوزان سوئیس :

چگونه عملی ساختن مفاد توافقنامه ژنو - برنامه اقدام مشترک - محور اصلی گفتگوهای گروه 5+1 و طرف ایرانیست . در این باره پیرامون بیانیه سیاسی لوزان سوئیس مباحثی قابل مطرح بود که در این قسمت به آن می پردازیم :

اما در خصوص بیانیه اخیر که در لوزان سوئیس به بیانیه سوئیس معروف شد ، باید منبأ دغدغه و دلواپسی های ملی عناوینی را مطرح کرد :

1 - پیرامون لغو تحریم ها باید گفت که تعلیق و حتی لغو تحریم پس از انجام کلیه تعهدات ، به هیچ عنوان عقلانی و قابل قبول نیست ؛ به عبارتی لغو تحریم نباید نتیجه مذاکرات شود (در معاهده اقدام مشترک ، این بد عهدی طرف مقابل ملموس تر بود) .

2 - سطح غنی سازی که در آن بیانیه مطرح شده است ، معقول به نظر نمی رسد ، زیرا اگر این 5000 ماشین بیش از 20 سال کار کنند ، فقط سوخت یکسال نیروگاه بوشهر را تامین می نمایند (این سطح فعالیت حتی پاسخگوی نیروگاه فعال ما در بوشهر هم نخواهد بود) ؛ به عبارتی بر اساس نیاز کشور به 20 هزار مگاوات برق هسته ای ، باید حدود 3 میلیون سو ظرفیت غنی سازی داشته باشیم ، این در حالیست که اگر کل سایت نطنز و فردو با ماشین های نسل یک فعلی (IR 1) تکمیل گردد ، حدود 60 هزار سو غنی سازی ایجاد می شود ، ولی با این 5 هزار ماشین IR 1 با ظرفیت حدود 6 هزار سو همراه است . حال فاصله اعداد و ارقام احساس می شود .

3 - انبار نمودن سانتریفیوژ برای جایگزینی با سانتریفیوژهای مستهلک IR 1 یا Crash - در یک دوره طولانی مدت - به منزله عدم ساخت و تولید سانتریفیوژ - حتی IR 1 - در این دوره طولانی جایگزینی ، است . انبار نمودن این سانتریفیوژها به منزله از دست دادن زنجیره تامین و صنعت تولید ماشین های سانتریفیوژ می باشد و بازگشت به نقطه کنونی - اگر این امر محقق شود و مثلاً پس از چند سال دیگر از کرده خود پشیمان شویم - مستلزم زمان ، هزینه و فرآیندی طولانیست . قابل ذکر است که حتی فرآیند انتقال ماشین ها به انبار ، سانتریفیوژها را دچار مشکلاتی فنی مینماید .

4 - جمع آوری تمام زیر ساخت ماشین ها (پمپ ها ، شیرها ، فشار سنج ها ، تابلوهای کنترل ، لوله های تغذیه و کلیه تاسیسات به همراه ماشین ها) - طبق محتوای بیانیه و ادعاهای کنونی - به معنای وارد آمدن آسیب جدی به زیر ساخت 13 هزار ماشین جمع آوری شده خواهد بود که راه اندازی مجدد این زنجیره ها ، زمان و مشکلات بسیاری را به همراه خواهد آورد .

5 - تبدیل سایت فردو به مرکز تحقیقات هسته ای، فیزیک و فن آوری نباید به عنوان یک ستاده تلقی شود ، زیرا ایجاد یک مجموعه تحقیقاتی در چنین موقعیت جغرافیایی ، در بیابان های اطراف قم ، در سایت فردو که آن هم بیش از 100 متر زیر زمین است ، جای تعجب و تأمل دارد . این در حالی است که برخی از دانشگاه های جمهوری اسلامی ایران دارای چنین آزمایشگاه هایی - لازم برای تحقیقات فیزیک - هستند . امیدواریم تبدیل این سایت غنی سازی به مرکز تحقیقات هسته ای ، فیزیک و فن آوری بهانه ای برای جمع آوری تاسیسات غنی سازی و زیر ساخت های خط تولید غنی سازی نباشد . البته باید خاطر نشان کرد که طبق این بیانیه در این سایت از 3000 سانتریفیوژ ، 1000 یا 1033 سانتریفیوژ باقی می ماند که از این تعداد 350 سانتریفیوژ پس از اعمال تغییرات در جداسازی ایزوتوپ های پایدار ، قابل بهره برداری است . در صورت نقض پیمان طرف مقابل - طبق معاهده اقدام مشترک ژنو که به عنوان یک معاهده مادر شناخته می شود : این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل میشود که هیچ چیز توافق نمیشود ، مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود - فقط می توان 1000 سانتریفیوژ را مجدداً تغییر و راه اندازی نمود . البته این امر منوط به عدم جمع آوری زیر ساخت های 2000 ماشین نامبرده است .

6 - تبدیل غنای 20 درصد به 5 درصد و این عدد به 3.67 درصد ، به عنوان یک ستاده تلقی نخواهد شد ، بلکه این روند کاهشی مطمئناً در راستای خالی شدن دست ایران از اورانیوم غنی شده - بنا به نیاز مصرف و ذخیره سازی در چشم اندازهای ضروری کشور - می باشد . این در حالیست که طرف های مقابل در هیچ جای این بیانیه (چه در معاهده اقدام ژنو و چه در این بیانیه سوئیس) متعهد به تامین سوخت نیروگاه بوشهر نشده اند و اگر در قرارداد ایران و روسیه خللی ایجاد شود ، ما دچار مشکل جدی خواهیم شد .

7 - کاهش اورانیوم غنی شده از حدود 10 هزار کیلو به چند صد کیلوگرم ، دارای ابهامات سیاسی ، حقوقی و فنی است که از مسئولین محترم خواستاریم نسبت به رفع این ابهام در جلسات بعدی کمال دقت را داشته باشند . اما اشاره ای باید داشت به این مطلب که تولید مجدد این مقدار ، زمان و هزینه های زیادی را به دنبال خواهد داشت و برگشت آنی به نقطه اول ، کاری بس غیر ممکن است .

8 - انجام این روند از سویی دیگر منجر به از دست دادن یکبار تعداد قابل توجهی از نیروی انسانی نخبه و دارای سطح علمی ویژه خواهد شد که باید عرض نمود که جمع آوری مجدد این نیروهای معتمد ، خود به یک مشکل جدی در آینده تبدیل خواهد شد .

9 - در معاهده اقدام مشترک ژنو ، به علت تعهدات طرف ایرانی مرحله تست سانتریفیوژ های نسل دوم متوقف شد ، ولی در این بیانیه ، این ماشین ها جمع آوری خواهند شد .

10 - مسئله تحقیق و توسعه یکی دیگر از مطالبه های غیر قابل انکار در مذاکرات است که باید بحث تحقیقات در حد ساخت ماشین های بجز IR 1 و آزمایش این سانتریفیوژها در زنجیره های تحقیقاتی و اجرایی به جهت تکمیل فرآیند تحقیقات و توسعه - مثلاً یک نوع سانتریفیوژ - جزء حداقلات حوزه تحقیق و توسعه در نظر گرفته شود ؛ به عبارتی تحقیق و توسعه ماشین های سانتریفیوژ صرفاً

با تولید یک نمونه از هر ماشین کامل نخواهد شد ، بلکه این فرآیند با تولید چند صد ماشین و راه اندازی و تست آن به صورت زنجیره ای همراه خواهد بود . زیرا در صورت نقض توافق طرف مقابل و جبران خسارات وارده به صنعت هسته ای ایران و استفاده بهینه از زمان پیش رو ، باید قادر به نصب ماشین های IR 8 که مراحل آزمایش و تحقیقات بر روی آن کامل انجام پذیرفته است - بهره وری قابل توجهی نسبت به ماشین های نسل IR 1 و IR 2 دارند (سوی 24) - باشیم ؛ اما در بیانیه سونیس صراحتاً لغو تولید سانتریفیوژ های نسل های بالاتر - نسل های بعدی بجز IR 1 - را پذیرفته ایم و باید این واقعیت را قبول کنیم که در صورت نقض تعهدات طرف مقابل ، فرآیند عملیات تحقیق ، توسعه و صنعتی سازی سانتریفیوژ های IR 8 - یا هر سانتریفیوژی دیگری بجز IR 1 - ماه ها و حتی سال ها زمان می برد . حتی اگر تحقیق و توسعه با محدودیت زمانی در تعهدات هم همراه باشد ، به هیچ عنوان نمی توان بر اساس برنامه زمان بندی گروه مقابل ، به پیشرفتی دست پیدا نمود .

11 - مجموعه رفتارهای مشاهده شده در بندهای معاهده اقدام مشترک و بیانیه سونیس ، علاوه بر محدودیت در صنعت غنی سازی ، منتهی به محدودیت زایی در کل مجموعه هسته ای کشور - اکتشاف ، استخراج ، تا تولید سوخت و تولید راکتور - خواهد شد .

12 - باز طراحی راکتور اراک توسط گروه مقابل ، بدون ارائه تضمین و تعهدی عینی (حتی به صورت لفظی) در خصوص مدت باز طراحی (که زمان قابل توجهیست) و نوع تکنولوژی که قرار است ارائه دهند ، اقدامی بسیار نامعقول و خطرناک به نظر می رسد . باید در نظر داشت که تا قبل از مذاکرات ، پروژه راکتور اراک دارای بیش از 90 درصد پیشرفت و در مراحل پایانی خود به سر میبرد ؛ نیروهای توانمند ایرانی تکنولوژی لازم جهت راه اندازی این راکتور را در اختیار داشتند و این مسئله موجب نگرانی روزافزون غرب شد ؛ متأسفانه در صورت باز طراحی - که منتهی به سر باز زدن طرف غربی (به دلیل نبود تضمین های عینی) از انجام تعهدات است - این نگرانی غربی ها کاملاً برطرف خواهد شد .

البته باید مورد دیگری نیز متذکر شد ، چرا که در صورت انجام باز طراحی ، سوخت راکتور از اورانیوم طبیعی به اورانیوم غنی شده مبدل می گردد و این به معنای وابستگی به تولید اورانیوم غنی شده بیشتر است . حال که ما با محدودیت هایی در مسئله غنی سازی مواجهیم ، طرف غربی تامین سوخت مورد نیاز را متقبل کرده است ، آیا می شود به وعده نسبی غرب اکتفا نمود ؟ آیا وابستگی معنای دیگری پیدا نموده است ؟ راکتور اراک به منزله افزایش چشمگیر ظرفیت تولید و بهینه شدن نوع رادیو داروها بود .

13 - ایجاد شرکت و همکاری با طرف غربی در یک شرکت مشترک هسته ای ، با توجه به تجربه هایی که در 3 دهه گذشته از عدم پایبندی طرف مقابل به تعهداتش بدست آوردیم ، کاری بیهوده و بسیار خوشبینانه است .

موقتا پایان ...

- منبع محتوایی بخش نقد برنامه اقدام مشترک : کتاب نقد و بررسی متن توافقنامه ژنو - حقیقت توافق ژنو از رویا تا واقعیت - دفتر مطالعات

گفتمان انقلاب اسلامی ؛ کارگروه گفتمان استکبار ستیزی

- منبع محتوایی بخش نقد بیانیه سیاسی لوزان سونیس : گفته های رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران دکتر فریدون عباسی

- خلاصه نویسی ، تصحیح ، دسته بندی و تکمیل : موسی الرضا براتی تیتکانلو

